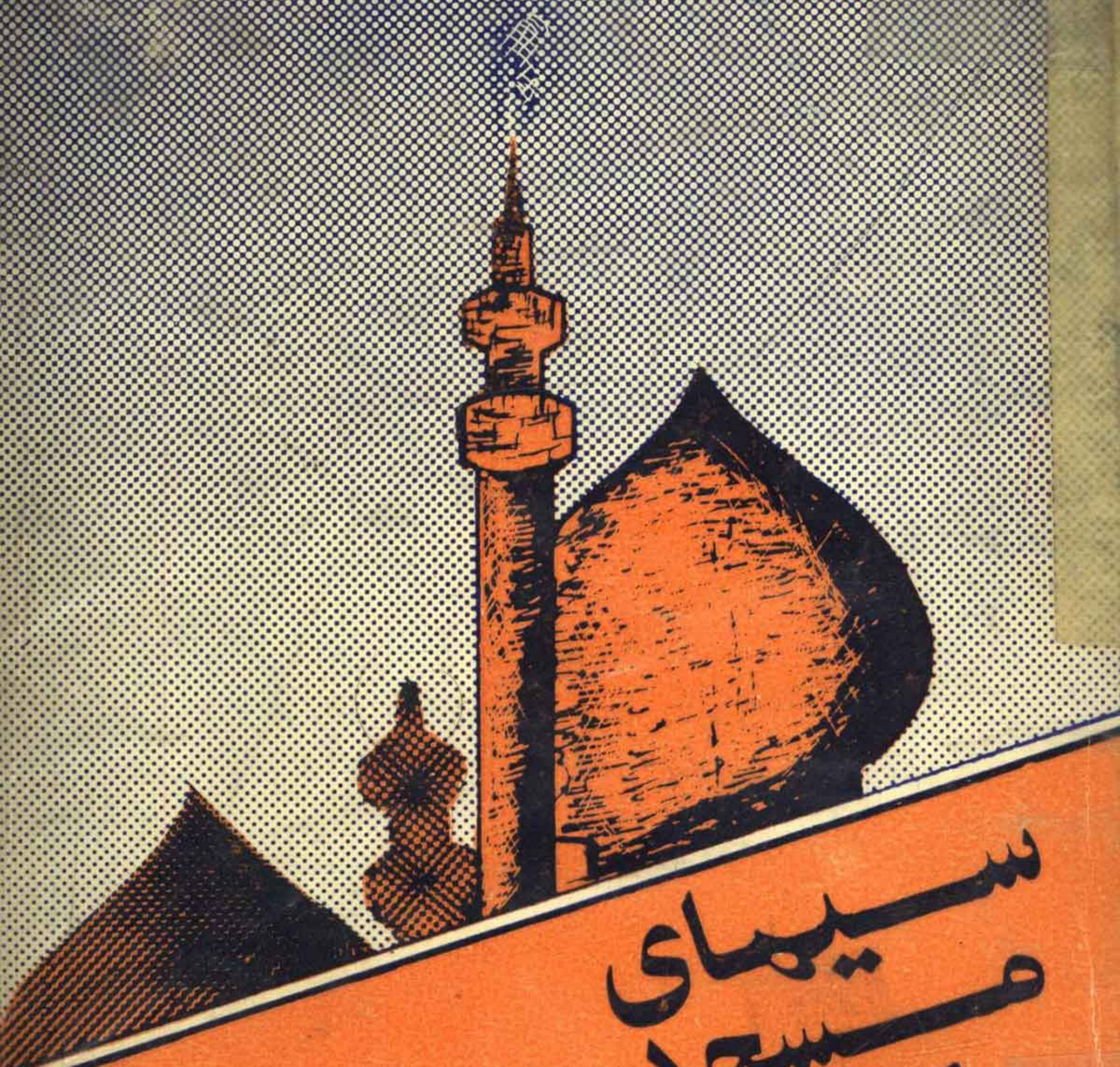


نوشتہ: مہدی حائری



ماہنامہ تجدید

چاپخانہ اسلام قم

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَنْ صَلَّى فِيهِمَا
فَكَانَ مَا صَلَّى فِيهِمَا فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

یعنی کسی که دو رکعت نماز در این جا
بجا آورد پس گویا در کعبه نماز خوانده

باشد .

سیمای مسجد صاحب الزمان علیه السلام

مهدی حائری

اسم کتاب: سہماي مسجد جمکران

نوشتہ: مہدی حائری

فرم بندی: از نعمت اللہ زیوری ہمدانی

تعداد: ۵۰۰۰ نسخہ

مدارك كتاب

- ۱- تاريخ قم مؤلف حسن بن محمد بن
- حسن قمي و معاصر شيخ صدوق
- ۲- تاريخ قم ناصر الشريعه
- ۳- زندگانی حضرت معصومه سید محمد صفی
- ۴- بحار الانوار علامه مجلسی
- ۵- رجال میر مصطفی محمد علی کرمانشاهی
- ۶- ریاض العلماء میرزا عبدالله اصفهانی
- ۷- گنجینه دانشمندان محمد رازی
- ۸- آثار الحجّه محمد رازی
- ۹- التقوی زندگانی آقای شیخ محدثی بافقی
- یزدی محمد رازی
- ۱۰- مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی
- ۱۱- کلمه طیبه محدث خبیر حاج میرزا حسین نوری
- ۱۲- نجم الثاقب مرحوم محدث نوری

اهداء

به پیشگاه اعلیٰ حضرت قدر قدرت قوی شوکت
بقیة الله الاعظم حجت ابن الحسن (ع) روحی وارواح
العالمین له الفداء . . .

. . .

ثواب این تألیف ناچیز را بروان مرحوم آیه الله
العظمی نابغه معاصر و حید دهر حکیم و فیلسوف علامه
حائری مازندرانی مقیم سمنان نثار می نمایم .

الاحقر شیخ مهدی حائری

مقدمه : بقلم استاد و محقق آقای حاج شیخ محمد و اصف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هنوز چند قرن بزمان ولادتِ حضرت صاحب الامر^ع باقی بود که اخبار غیبت آنحضرت بگوش شیعیان رسیده و کیسانیه و ناووسیه و گروه‌های دیگر بدعوی‌های غرور آمیز خود گمان‌های باطل در سر می‌پروراندند .

اصول غیبت آنحضرت که در عصر صادقین تالیف و ریشه گرفته بود با اخباری از نبی اکرم آنچنان محکم و غیر متزلزل در دل‌های مؤمنان و اهل ایمان نشو و نما یافت که دفع آن بر احدی از محدثان ممکن نبود. همین اخبار گذشته از نصّ خاص دلیلی قاطع بر امامت آن حضرت نیز بود .

حسن بن محمد^{بن} محبوب که از ثقات بزرگ است قریب صدسال پیش از غیبت امام (ع) کتاب (مشیخه) را تالیف کرده و اخبار غیبت طولانی را زینت بخش کتاب خود نمود .

سیمای مسجد جمکران

از جمله ابراهیم خادفی از ازبب بصیر و او از امام صادق^ع روایت کرده که آن امام فرمود: آری ای ابا بصیر! (دو غیبت دارد) یکی از دیگری طولانی تر است و در آن روایت امام (ع) از ظهور سفیانی و اشتداد بلیات و مرگ و میر و کشتار مردم، اطلاع فرمود.

در غیبت کوتاه که ۷۴ سال طول کشید نو اب خاص آنحضرت مانند عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان و ابوالقاسم حسین بن روح و علی بن محمد سمري بخدمتش می رسیدند که شیعه را در این باب اصلاً اختلافی نیست.

لکن در غیبت کبری که باید قرن‌ها ادامه یابد و مدت آنرا غیر از خدا و اولیای او کسی نمیداند، انتظار فرج بسیار ممدوح که فضل آن واضح و کتابها در این باب بسیار نوشته شده است.

اما ادعای رؤیت آنحضرت چه بسا مذموم بلکه ممنوع و نامشروع است و در بعضی روایات که از

مدعیان خصوصاً به کذاب و منفردی تعبیر شده است .
 بلی حذیفه از رسول خدا روایت کرده که در
 زمان خروج فائم (ع) منادی از آسمان ندا کند: وهان
 ای مردم! مدت جباران سپری شد و بهترین اولادامت
 ولی امر شما است خود را بمکه رسانید الخ .

و از امام جعفر صادق (ع) روایت شده که در
 طالقان گنجی است اما نه از طلا و نقره و پرچمی است
 که از روزیکه پیچیده شد، باهتزار در نیامد و مردانی
 است که گوئی دلهاشان چون فولاد محکم است هرگز
 شك در ذات خداوندی در آنها راه نیابد .. و در همین
 حدیث امام (ع) فرمود: -

مردانی خواهند بود : که شبها نخوابند از برای
 آنها در نمازها صوت و زمزمه‌ای است همچون زمزمه
 زنبوران عسل! الخ :

آری نماز امام زمان «ع» برای نمازگزاران از
 عسل شیرین تر و زمزمه صوت این نماز با آداب خاصه اش

گوئی زمزمه زنبور عسل است .
 این نماز عظیم الشان که دستور آن در مسجد
 جمکران با امتیاز بیشتری شرف صدور یافت در همین
 کتاب بقلم نویسنده فاضل عماد الاعلام جناب مستطاب
 آقای آشیخ مهدی حائری معروف به «خورشیدی»
 توضیح داده شده ، به علاوه نویسنده ارجمند در تاریخ
 بناء مسجد معروف جمکران مدارکی تحصیل کرده که
 حقاً شایسته تقدیر و تحسین است .

حقیر بنوبه خود از گرد آورنده محترم، قدردانی
 نموده توفیق و تائیدات جنابشانرا در راه اعتلاء کلمه
 دین و ترویج عقاید حقّه از خداوند جلت عظمته مسئلت
 مینمایم .

الاحقر محمد و اصف

بسمه تعالی

تألیف کتاب که بر خوانندگان محترم تقدیم

می‌کنیم :

بعثت دو امر بود امر اول، بعضی از مردم اشکال کردند که چرا در بنا و تاریخ مسجدی که این همه عظمت در باره‌اش گفتند دو قول است بعضی گفتند در سنه ۳۹۳ بنا شده بعضی هم در سنه ۳۷۳ گفتند .

مخصوصاً مرحوم نوری در کتاب خود سنه ۳۷۳ ذکر کرده و میفرماید صاحب تاریخ قم که شیخ حسن بن محمد بن حسن قمی باشد از شیخ صدوق نقل میکند و میفرماید صاحب تاریخ قم باشد شیخ صدوق معاصر هستند و لکن شیخ در تاریخ ۳۷۸ وفات کرد تاریخ قم در بنای

سیمای مسجد جمکران

مسجد را سنه ۳۹۲ گفتند اما اشکال جواب در صفحه بعدی میآید مرحوم نوری (رضوان الله) بنای تاریخ را سنه ۳۹۳ نگفته است بلکه در چاب اشتباهاً سبعین بجای تسعین خوانده شده است بنای مسجد که بعد گفته خواهد شد در سنه ۳۷۳ است مامدارك را هم ذکر کردیم اما امر ثانی این که به آن مکان مقدس مشرف میشوند بدانند که این موضوع در خواب نبوده بلکه به امر امام زمان (ع) بوده است .

حوزه علمی قم: مهدی حائری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فِي بَيْوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعُ وَيَذْكُرُ فِيهَا اسْمَهُ
در جاهائیکه خداوند بر فعت آن و ذکر نام خود
اِذْنِ فرموده است .

یکی از مساجدی که شیعیان جهان مخصوصاً
منتظرین و علاقمندان حضرت بقیه الله الاعظم امام
زمان ارواح العالمین له الفداء توجه خاصی به آن
دارند مسجد شریف جمکران است که به امر امام عصر
علیه السلام بناء شده و این مسجد در يك فرسخی شهرستان
قم در جاده کاشان واقع است .

تاریخ اصل بناء مسجد شریف جمکران

تاریخ بناء این مسجد شریف را خیلی ها در
کتابهایشان نقل کرده اند از جمله مرحوم نوری در

سیمای مسجد جمکران

کلمه طیبه .

اما بنده، تحقیق زیادی در کتب معتبره کردم تاریخ اصل این مسجد شریف را پیدا نمودهام . کتاب تاریخ قم مؤلف آن معاصر با شیخ صدوق رضوان الله اسم صاحب تاریخ قم شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی است . بناء مسجد جمکران که بنا نقلی بعد ذکر میشود در سنه ۳۷۳ بود تاریخ قم که از او نقل میکنم در سنه ۳۷۸ نوشته شده بناء مسجد تا زمان نوشتن تاریخ قم به فاصله پنج سال است این تاریخ قم در سنه ۸۰۶ ترجمه شده است .

حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی بامر خواجه فخرالدین ابراهیم بن الوزير الکبیر خواجه عماد الدین محمود ابن الصاحب خواجه شمس الدین محمد بن علی الصفی آنرا فارسی کرده مرحوم خلد آشیان آقای محمد علی کرمانشاهی در حواشی رجال میر مصطفی در باب اسم حسن میرسد به حسن مثله جمکرانی آنجا

خیر سابقی را از نسخه عربی نقل میکند .

عالم خبیر میرزا عبدالله اصفهانی شاگرد مرحوم علامه مجلسی در ریاض العلماء در احوالات صاحب تاریخ قم یعنی حسن بن محمد بن حسن قمی میگوید من تاریخ قم را دیدم بسیاری در کتاب نیکو و کثیر الفایده است . مرحوم علامه مجلسی در اول کتاب بحار خود تعریف از کتاب مذکور میکند .

صاحب تاریخ قم از شیخ جلیل القدر ابی جعفر محمد بن بابویه قمی که صدوق باشد نقل میکند که شیخ صدوق در کتاب خود بنام مونس الحزین فی معرفة الحق الیقین بناء اصل مسجد شریف را نقل کرده است بعضی ها گفتند شیخ صدوق کتابی بنام مذکور که در سطر اول نام برده شده ندارد چون که از کتابهای مرحوم شیخ صدوق شمرده شده بنده میگوییم صاحب تاریخ قم از خود شیخ صالح حسن مثله جمکرانی نقل میکند چون معاصر با او بوده و از اهل قم است چون که بناء مسجد تا زمان

نوشتن تاریخ قم بفاصله ۵ سال است .

اما کیفیت آن از اینقرار است :

شیخ فاضل حسن بن محمد بن حسن قمی که صاحب تاریخ قم باشد نقل میکند از شیخ عقیق و صالح حسن ابن مثله جمکرانی میگوید من شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سنه ۳۷۱۳ قمری در سرای خود خفته بودم که ناگهان جماعتی نیمی از شب گذشته در منزل من آمده و مرا بیدار کرده و گفتند برخیز که حضرت امام محمد مهدی صاحب الزمان (ع) ترا میطلبد حسن گفت بر خاستم و آماده شدم و گفتم اجازه دهید پیراهن پیوشم یکوقت از در منزلم آواز برآمد .

هو ما کان قمیصک :

یعنی آن پیراهن از تو نیست خواستم شلوار پاک کنم

باز هم بانک برآمد .

لیس ذالك منك فخذ سراويلك :

یعنی آنهم ازتون نیست مال خود را بپوش پس آنرا انداخته و خود را پوشیدم و کلید در منزل را خواستم صدا برآمد .

الباب مفتوح :

یعنی در باز است آمدم در منزل دیدم جماعتی از بزرگان را سلام کردم جواب دادند و بمن مرحبا گفتند و مرا آوردند تا آنجا که اکنون مسجد است چون نیک نظر کردم تختی دیدم نهاده و فرش نیکو بر آن تخت گسترده و بالشهای زیبایی چیده و جوانی سی ساله (حضرت ولی عصر) بر آن تخت تکیه بر بالشها داده و پیری نزدیک او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می خواند و بیش از شصت مرد بر این زمین برگرد او نماز می خوانند که بعضی از آنها لباس سفید و بعضی هم لباس سبز داشتند و آن پیر حضرت خضر بود پس آن پیر سرا

نشانیده حضرت ولی عصر (ع) مرا بنام خود صدا زد
و فرمود:

برو حسن بمسلم بگو که تو چند سالست که در
این زمین عمارت میکنی و میکاری و ما خراب میکنیم
و پنج سال که زراعت کرده‌ای و امسال هم از سر گرفته
و عمارتش میکنی اجازه نیست که تو در این زمین بار
دیگر زراعت کنی باید هر منفعت که از زمین بدست
آورده‌ای خرج کنی تا در این جا مسجدی بناء کنند ای
حسن بمسلم بگو این زمین زمین شریفی است حق تعالی
از زمینهای دیگر برگزیده است.

ذالك ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب

این چنین است هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد
بی گمان آن از پرهیزگاری دلهاست و شریف کرده و
تو آن را از زمین خود گرفته‌ای و خدای عزوجل د و پسر
جوان ترا گرفت و تو تنبیه نشدی و اگر چنین کنی آزاری

بتو رسد که آگاه نباشی حسن گوید عرض کردم ای مولای من نشانی در این امر باید که مردم بی نشانی قبول نکنند و قول مرا باور نمایند فرمود :

انا سنعلم هناك علامة

یعنی ما در این جا علامت و نشانی میگذاریم تا گفته تو را تصدیق کنند برو و پیغام ما را بده و در قم نزد سید ابوالحسن برو و بگو تا با تو بیاید و حسن مسلم را حاضر کند و منفعت چند ساله که گرفته است از او بگیرد و صرف در بناء مسجد نماید و باقی وجوه را از قریه رهق اردهال که ملك ماست بیاورند و مسجد را تمام کنند و يك نيمه قریه رهق را وقف کردیم بر این مسجد که هر ساله وجوه آنرا بیاورند و صرف عمارت مسجد کنند و مردم را بگو تا رغبت باین موضع نموده و آنرا عزیز دارند .

اعمال مسجد جمکران با امر

امام زمان (ع)

وَمَنْ صَلَّى بِهَا فَكَانَ مَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

فرمود بگو در این جا چهار رکعت نماز بگذارند
دو رکعت تحیت مسجد که در هر رکعتی حمد یک بار
سوره که «قل هو الله احد» می باشد هفت بار و تسبیح رکوع
و سجود هفت مرتبه بگویا و دو رکعت نماز امام محمد
مهدی صاحب العصر و الزمان (ع) بخواند به این طریق
که در رکعت اول و دوم جمله «ایاک نعبد وایاک نستعین»
را صد مرتبه بخواند و لی سوره را در هر رکعتی یک بار بخواند
ذکر رکوع و سجود را هفت بار بگوید بعد از سلام
نماز، تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را بگوید
یعنی ۳۴ بار «الله اکبر» ۳۳ دفعه «الحمد لله» و ۳۳ مرتبه

«سبحان الله» وقتی تسبیحات به اتمام رسید بسجده رود
صدبار صلوات بر پیغمبر و آتش بفرستد .

حضرت بقیه الله الاعظم فرمود:

وَمَنْ صَلَّى بِهَا فَكَانَ مَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

کسیکه دو رکعت نماز در اینجا بجا آورد پس
گویا در کعبه نماز خوانده باشد حسن مثله جمکرانی گفت
چون این سخن را شنیدم با خود گفتم که گویا این موضع
است که تو گمان میکنی .

انما هذا المسجد الامام صاحب الزمان

واشاره به آن جوان کردم که نکیه بر چار بالش
داده بود پس آن جوان بمن اشاره فرمود که برو من
براه افتادم چون مقداری رفتم باز مرا صدا زد و فرمودند
بزی در گله جعفر کاشانی است باید آنرا بخری و بیاوری
در این مکان ذبح کنی و گوشت آنرا به بیماران دهید
که حق تعالی آنها را شفاء بخشد و رنگ بز ابلق (سیاه و

سیمای مسجد جمکران

سفید) و موهای بسیار دارد و هفت علامت بر این بز
میباشد و من رفتم باز مرا طلبید و فرمود ما هفت روز
اینجائیم اگر هفت روز فرموده باشد روز بیست و سوم
ماه رمضان میشود و روز قدر و احیاء بزرگ است .
پس حسن مثله گفتم پیامدم خانه و آنشب اندیشه
کردم تا صبح اثر کرده و فریضه صبح گذاردم و نزدیک علی
آمدم آن احوالات را با وی بگفتم او . من پیامد رفتم
به آن جا که مرادیشب برده بود گفتم بالله نشانی و علامتی
که امام زمان (ع) مرا گفت یکی اینست که زنجیرها و
میخها این جا ظاهر است پس به نزدیک سید ابوالحسن
الرضا شدم چون بدر سرای وی رسیدم خدمت و چشم او
را دیدم مرا گفت از سحرگاه سید ابوالحسن در انتظار
تست تواز جمکران آمدی گفتم بلی من در حال وارد
شده سلام کردم و شرط ادب بجا آوردم و جواب نیکو داد
و اعزاز کرد و پیش از آنکه من حدیث کنم فرمود ای
حسن مثله من در خواب بودم شخصی در رؤیا مرا گفته

حسن جمکرانی پیش تو میآید باید آنچه گوید آنرا تصدیق نموده و برگفته او اعتماد کنی که سخن او سخن ماست مبادا قول او را رد کنی من از خواب پریدم و بیدار شدم تا این ساعت منتظر تو بودم حسن احوال و کیفیت را توضیح داد سید بفرمود تا اسبهارا زین کرده و بیرون آورده و سوار شدند چون نزدیک ده رسیدند جعفر چوپان گله را بر کنار راه داشت حسن در میان گله رفت و آن بز از عقب گوسفندان میآمد پیش حسن مثله دوید و آن بز را گرفت که پول آنرا بدهد جعفر قسم یاد کرد که من هرگز این بز را ندیده‌ام و در گله من نبوده است مگر امروز می‌خواهم او را بگیرم ممکن نمیشود و اکنون که پیش شما آمد بهاء آنرا نخواهم گرفت پس بزرا همچنان که امام (ع) فرموده بود در آن جایگاه آوردند و بکشتند و سید ابوالحسن الرضا بدین موضوع آمدند و حسن مسلم جمکرانی را حاضر کردند و منافع زمین مزبور را گرفتند و نیز وجوه رهن را بیاوردند و

ه مسجد جمکران امام زمان را بچوپ پوشانیدند و سید ابوالحسن الرضا زنجیرها و میخها را بقم برد در منزل خود گذاشته و همه بیماران و صاحب امراض میآمدند و خود را بآن زنجیر میمالیدند خداوند آنها را شفاء عاجل میداد و بهبودی برایشان حاصل میشد و آن : زنجیر و میخها بود پس از فوت سید ابوالحسن که مفقود شد و دیگر کسی آنها را ندید .

مرحوم محمودخان تندری شیوا آن حکایت را بنظم در آورده مادر اینجا مینگاریم .

بعد حمد خدای جن و ملک

آفریننده سما و سمک

بشنوید این حکایت مشهور

که بتاریخ قم بود مسطور

بود مردی بزرگ و دانائی

ز مهدی صالحی نکورائی

قدس و تقوای بیکران بُودش
 مسقط الرأس جمکران بُودش
 همچو افعال خود بنام حَسَن
 عاقل و زبرک و فهیم و فطن
 اینچنین گوید آنکه بی تشویش
 خفته بودم شبی بکلبه خویش
 نیمی از شب گذشته بی کمتر
 که گروهی زدند حلقه بدر
 تا از آن خفتگی پپای شدم
 همچنان تا در سرای شدم
 دیدم آنجا گروهی از مردم
 مرا بانگ میزدند که قم
 خودترا خوانده حُجَّتْ معبود
 هادی دهر مهدی موعود
 این سخن چون مرا رسید بسمع
 بسمع آمدم میانه جمع

سیمای بسجد جمگران

شدم از بسکه خوشدل و خرم
تنگ شد بر نشاط من عالم
گفتم ای قوم مهلتی بر من
تا پوشم قمیص خویش بتن
رفتم آنسان که سوی سیم حریص
دست بردم چنین بسوی قمیص
خود رسیدم بگوش این سخنا
که بر کن قمیص خویشنا
زان سبب کان قمیص آن تو نیست
چشم بر مال دیگریت ز چیست
پس قمیصی ز خویش بگرفتم
راه طاعت به پیش بگرفتم
خواستم تنها ازار در پوشم
کامده بانگ نغز بر گوشم
کای تو اندر طریق ما سالک
لیس ذالک خذُ سرا و یلک

پس نمودم ازار خویش بی‌پای
 چابک و چستُ خاستم از جای
 بستم از بهر طاعتش چه کمر
 آمدم تا همی گشایم در
 که سر و ش دیگر به استعجاب
 گفتم مائیم فاتح الابواب
 خود نهان بود صاحب آواز
 لیک در را بروی دیدم باز
 زین عجب صبر و تاب نوشم رفت
 الله الله که عقل و هوشم رفت
 چشم شد خیره عقل شد گمراه
 عجباً لا اله الا الله
 گفتم این خواب است یا بیداری است
 عین مستی است یا هشیاری است
 الغرض تا برون خانه شدم
 با رسولان شه روانه شدم

سیمای مسجد جمکران

تا رسیدم به جایگاه نشان

که بود مسجد امام زمان (ع)

دیدم اندر مکه آن دلجوئی

که پاپاست تخت نیکوئی

گستریده بتخت از اطلس

پرنیانها و دیبه املس

نوجوانی نشسته بر کرسی

که ز عمرش فزون نرفته زسی

پیری آنجان نشسته همچون شمع

همچو پروانه گرد او یک جمع

بُد کتابی بدست پیر کهن

خواند بر آن جوان بصوت حسن

آن جوان بُد امام جن و بشر

نیز آن پیر خضر پیغمبر

پیش از شصت تن در آن مسکن

اقتدا کرده بر امام ز من

همه با جامه‌های سبز و سفید

همه در ذکر حق به‌گفت و شنید

پیر بنشانند - چون مر از قیام

بعد از آنم بنام خواند امام

که برو این سخن نمای بیان

بسر حسن پور مسلم بن فلان

که توتاکی در این شریف مکان

هی عمارت کنی وما ویران

چند ساست تابکشت و بزوع

میبری نفع وی زاصل و زفرع

باز؛ داری سر عمارت او

رخصت نیست زین طریق مپوی

بلکه هر سود برده از این جا

صرف مسجد نماز روی رضا

کاین زمین را خدای جن و بشر

بسرگزیده از اراضی دیگر

سیمای مسجد جمکران

هم بگو از چه مینمائی کشت
نه پشیمان شوی ز کرده زشت
بهر تنبیه تو دو پور جوان
از تو بگرفت قِصَدِ سَبْحان
گر نه تنبیه گردی از رفتار
میرسد بیش از این بتو آزار
پس بگو آنکسان که دیندارند
این زمینرا شریف بشمارند
جمله آهنگ صدق و ساز کنند
چهار رکعت در او نماز کنند
گوئی آنکس بتزد رب و دود
در بیت الحرام برده سجود
گفت از بعد طی این سخنا
رو بگو بسید ابو الحسن
تا که برخیزد او قوی خاطر
مرد مذکور را کند حاضر

سودهائی که زین زمین برده
 آنچه را باقی است ناخورده
 ز وستاند دهد بدیگر کس
 صرف مسجد کند تمامت و بس
 ما بیاشیم اندر اینجا شاد
 مدت هفت روز یا هفتاد
 نیمه‌ای از رهق نمودم وقف
 تا وجوهش شود بمسجد صرف
 گفتمش سیدی و مولائی
 گرچه ناگفته خویش دانائی
 به که در صدق قول از این سر
 مینمودی علامتی ظاهر
 گفت از بهر صدق قول تو من
 میگذارم علامتی روشن
 تا دل و خاطر تو شاد کنند
 همه بر قولت اعتماد کنند

سیمای مسجد جمکران

سخن شاه چون بپایان یافت
رخصت او را نمایان ساخت
۶۱ چونکه رجعت نمودم از بر شاه
باز خواندند مرا از راه
که برو صبح تا بر جعفر
جعفر کاشی آن نکو اختر
که بزی هست در فصیله او
همچنان نغزو دلکش و نیکو
رنگ مویش سفید و همسیه است
این چه لؤلؤ و آن دیگر شبه است
هفت او را علاهت است بیر
سه بیک سوی چهار سوی دیگر
چونکه بز را خریدیش بیها
خون وی را بریز در اینجا
گوشتش را بده بهر بیمار
که شفا اندر او بود ناچار

شاه با من چه کرد طی سخن
 رخصتم داد بهر باز شدن
 از بر شه شدم بخانه خویش
 تا سحرگاه جمله در نشویش
 طارم نیلگون چه بار دگر
 چادر قبرگون کشید از سر
 مهر رخشان چه سرزد از افلاک
 جستم از جای آدم چالاک
 تا بتزد علی بن مندر
 شرح احوال گفتمش یکسر
 چون سراسر زهن شنید سخن
 گفت باید شدن در آنمسکن
 هر دو تن باتفاق یکدیگر
 آنمکان را شدند راه سپر
 تا رسیدیم اندر آن مکان مأوا
 که شبش دیدم آن چنان زیبا

سیمای مسجد جمکران

خورد آنگه علی بسی سو گند
یکسی کافرید پست و بلند
کان علائم که گفته بود امام
اندر اینجای ظاهر است تمام
غل و مسمارها که هست میان
خود نشان است از امام زمان
پس شدم زانمکان چه باد زمان
در بر سید ابوالحسن پویان
میدویدم بچابکی چون باد
تا رسیدم بخانه‌اش دلشاد
آنچه بودش عیان ز خیل خدم
خواستندی مرا ز پیش قدم
کز سحرگاه دیده آقا...
هست در راه انتظار شما
تا شدم در درون خانه چه باد
دیدم آنجا نشسته خرم و شاد

گفت او چون زمن شنید سلام
 که عليك السلام و الاکرام
 دیده بگشود مرزا بشتاخت برخواند
 آنگهم در جوار خود بنشانند
 من نکرده هتوز عنوانی
 گفت بر گوهر آنچه میدانی
 زانکه من نیز خفته بودم دوش
 کاین سروش آمد همی بر گوش
 که رسولی ز مات آید پیش
 سخن اوز ماست بی کم و بیش
 سخنش زنگ غم زد دل بزود
 عجبم بر عجب همی افزود
 مختصر جمله ز اول و آخر
 شرح احوال گفتمش یکسر
 پس بفرمود تا بسور و سرور
 بر نهادند زین بکوهه بسور

همه در خدمتش سوار شدیم
 روی بدانجا ره‌پار شدیم
 چونکه قدری ز راه پیمودیم
 پس به امید دیده بگشودیم
 بود جعفر فسیله‌اش در پیش
 اندر او خیل بره و بزو میش
 بود آن بز قفای جمله عیان
 چو مراد بدشد به پیش دوان
 گفتم این را به‌اچه مقدار است
 که به جان قیمتش سزاوار است
 گفت با الله که در فسیله ما
 تا به امروز این نباد پیدا
 چون ز کیفیتش نه آگاهم
 نیز از توبها نمی‌خواهم
 الغرض زانمکان شدیم چه باد
 تا رسیدیم به خانه‌اش دلشاد

پس بفرمود میربسا نمکین
 بنا گرفتند انتفاع زمین
 از وجوه رَهَقُ هم آوردند
 مسجد عالی بنی بنا کردند
 کشته شد بزدر آنمکان شریف
 گشته درمان درد گوشت لطیف
 سید آنگاه برد بی تشویش
 غل و مسمارها بخانه خویش
 در که بیمار بود و زار و نحیف
 از الم لاغر و نزار و ضعیف
 خویش را چون بان سلاسل برد
 زان سلاسل شفای عاجل برد
 بود تاسید ابو الحسن ز جهان
 رفت و زنجیرو میخ شد پنهان
 زان غل و میخ بعد از آن دیگر
 گفتی از روی کسی نیافت اثر

سیمای مسجد جمکران

رأی شاهان بلی چنین باشد

اینچنین است و به از این باشد

خاصه شاهی که از مکانت و جاه

زده بر اوج لا مکان خرگاه

هم رموز دقایق عرفان

هم کنوز حقایق ایقان

• • •

ای شهنشاه دین امام زمان

برزخ بین واجب و امکان

ای وجود تو فانی فی الحق

فانی حق و باقی مطلق

بهر دیدار حق تو مرآتی

علم الله که آینه ذاتی

آسمان نقطه‌ای ز پر کارت

مهرو مه پر توی زر خسارت

تا که مداحی تو حاصل ماست

مهر و خشان چراغ محفل ماست

اینکه نطقش بمدحت گوید ماست

غرقه در قلمز گنه شیواست

نیست آندم که هیچ کس با کس

چشم امید بر تو دارد و بس

و ه که از یمن آنمکان شریف

شد چه کوه ثقیل بحر خفیف

شعر از مرحوم مفلح محمود خان تندری شیوا

برای حکایت بسای مسجد جمکران به اتمام رسید مخفی

نماند اینکه این مسجد شریف از زمان سید ابوالحسن

الرضا سال ۱۱۵۸ مرد صالح و نیکوکار بنام علی اکبر

جمکرانی آنرا تعمیر کرد .

مرحوم ناصر الشریعه در تاریخ خود میگوید در

مسجد جای قدم بزرگی است بسنگ مرمر که گویند

قدمگاه حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان (ع) است

سیمای مسجد جمکران

وزیر آن گودالی است چاه مانند که سنگ مرمر روی
او انداخته این سنگ را آقای علی اکبر جمکرانی
انداخته است .

این اشعار مربوط به تعمیر مسجد و سنگ آن

اختر برج صفا آقا علی اکبر که رفت
آفتاب از رشك رخسارش بچرخ چهارمین
نیست موسی لیک دارد چون شود گرم عطا
رزمه زر چون بدو بیضا نهان در آستین
شد موفق کرد تعمیر قدمگاه که هست
رشك گلزار جنان شامی خلد برین
شد قدمگاه شه دین حضرت صاحب زمان
از طفیل همتش رشك نگارستان چنین
هم نسیم گلشن برقع کسای روی گل
هم زلال وجد و اش سر چشمه ماء معین

چون معین شد در ایوان اساس این بناء
 فخرها بر آسمان از این شرف دارد زمین
 بود کامل از پی تاریخ پر عقل گفت ؛
 قائم آل محمد را قدمگاه است این
 بعدها مرحوم علی قلی نام جمکرانی بمقدار
 سیصد تومان صرف نمود و یک طرف صحن را ساخت
 و همینطور ناتمام بود تا اوایل سلطنت مظفرالدین شاه
 مرحوم میرزا علی اصغر اتابک اعظم که چندی بقم مقیم
 بود مسجد و صحن را تعمیر و شش حجره و ایوان در
 در طرف غربی صحن درست کرد باز بواقی مانده بود
 تا زمان مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آية الله العظمی
 آقای شیخ عبدالکریم حائری یزدی مرحوم آیت الله
 یزدی مساعدت فرمودند تعمیر کردند تا زمان ما چند
 نفر از مردم نیکوکار و خیر قسم و هیئت امناء مرحوم
 حاج سید ابوالفضل امین بر قعی اصل بناء جدید در
 تاریخ ۱۳۵۰ بوده است زمین مسجد جمکران ۲۸۰۰۰-

سیمای مسجد جمکران

متر مربع است فعلاً چند عدد حسینیه بناء شده همه با پول مسلمانین جهان که برای زیارت بآن مکان مقدس مشرف میشوند مساعدت مینمایند خود مسجد که در آن نماز امام زمان (ع) میخوانند بمساحت ۱۰۰۰ متر مربع است چهار عدد حسینیه دارد هر کدام بمساحت ۲۰۰ متر مربع یک حسینیه روبروی مسجد دارد بمساحت ۶۰۰ متر مربع حسینیه‌ها دو طبقه است هر کدام ۸۰ حجره دارد مؤمنین از راه دور برای زیارت و نماز می‌آیند شبها در آن حجره‌ها بسر می‌برند .

روبروی مسجد گلدسته کاشی کاری است ۲۸ عدد توالت مردانه و ۲۰ عدد زنانه دارد باغ بزرگی و درختها و منظره‌های بسیار قشنگی موجود است .

برنامه دعاء توسل

شبهای چهارشنبه و جمعه و شبهای متبرکه مخصوصاً شب میلاد منجی بشریت صاحب مسجد امام -

زمان ارواح العالمین له الفداء است احیاء و جشن و
 و شب چهارشنبه‌ها میروند چونکه بناء مسجد روز
 چهارشنبه بود و شیخ صالح حسن مثله جمکرانی شب
 سه شنبه ۳۷۳ بود که امام زمان (ع) ایشان را خواسته
 روز چهارشنبه با سید ابوالحسن الرضا آمده‌اند بناء
 مسجد را گرفتند لهذا از ۱۰۲۵ سال قبل تا حالا شبهای
 چهارشنبه میروند و صدها نفر از مراجع بزرگ تقلید
 و آیات عظام و مردم متممی و پارسا در این مسجد شریف
 جمکران بحوائج خود رسیده‌اند که ما نام بعضی از
 آنان که خود دیده‌ایم یا بزرگان ما برای ما نقل کرده‌اند
 در این جا مینگاریم .

اول - مرحوم آیه الله عالم ربانی حاجی میرزا

جواد آقای ملکی تبریزی

دوم - مرحوم ثقة الاسلام والمحدثین آقای حاج

شیخ عباس محدث قمی در کتاب مفاہیح الجنان خود

ذکر فرمودند .

سوم - مرحوم ثقة الاسلام والذاکریں حاجی شیخ

ابراہیم صاحب الزمانی

چہارم - مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین

رئیس ملة والداين آية الله العظمیٰ حاجی آقا حسین

بروجردی رہ

پنجم - حضرت آية الله العظمیٰ جناب آقای

سید صادق روحانی

ششم - مرحوم حضرت آية الله العظمیٰ آقای سید

محمد حُجَّت کوہکمری

ہفتم - مرحوم حضرت آية الله العظمیٰ آقای

حاج شیخ ابوالقاسم کبیر قمی

ہشتم - مرحوم عالم ربانی زاہد سُبْحانی آقای

حاجی حسین فاطمی قمی

نہم - مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج

شیخ عباس طهرانی مقیم قم

دہم - مرحوم حضرت آية الله العظمیٰ آقای شیخ

محمدتقی آملی صاحب شرح مکاسب

همه مراجع وقت ماکه درقم ودر سایر نقاط

ممالک هستند میدانند این مسجد به امر مبارك بقیة الله

الاعظم حجة ابن الحسن العسکری درست شده کمتر

از مسجد شریف سهله و کوفه نیست در ردیف آن

مساجدهاست

نفر یازدهم که به حوائج خود رسیده حضرت

مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آية الله العظمی و علامه

الکبری آقای **سید شهاب الدین نجفی**

مرعشی دام ظلّه العالی که در هر ماه چندین مرتبه در

خلوت و جلوت مشرف شده و بمساعدهت‌های غیر مستقیم

بتعمیر و تنظیم آن اقدام می فرمایند و کنون چند سال

است در هر هفته که یکی از دانشمندان بنام حجة الاسلام

والمسلمین جناب آقای حاجی سیدتقی علمائی را برای

اقامه نماز جماعت و ارشاد زائرین و توسل بساحت

قدس آن برزگوار اعزام می فرمایند .

روزهای چهارشنبه یکی از مؤمنین بنام حاجی غلامعلی فرجی نهار مفصل میدهد آقای غلامعلی فرجی مدت ده سال قبل میگوید يك قصاب دل و جگر آورده بودم بر آن جمعیت كمبود آقای من (ع) به بنده فرمود اینقاب جگر را به همه بدهد دیدم آقادات مبارك خود را توی قاب کرد يك قاب كوچك جگر پخته به همه مردم رسید از آن وقت تا حال كه مدت ده سال روز چهارشنبه غذا درست میکند و صدها نفر مردم از غذا شفا می یابند در روزهای چهارشنبه اول ظهر نماز جماعت بعد از نماز روضه و توسل توسط آقای سید تقی عامائی بر قرار است .

اما شبهای جمعه از اکثر نقاط ایران بدین مسجد شریف می آیند تا صبح مشغول نماز و دعا و توسل می باشند .

چندین هیئت از شهرستانها می آیند مخصوصاً هیئت منتظرین امام زمان شهرستان کاشان هر شب

جمعه در آن مکان مقدس بعد از انجام فریضه نماز
جماعت به دعا و توسل به حضرت بقیة الله الاعظم میباشند
هزاران نفر از هیئتها به حاجت رسیده اند که اگر بنده
بخواهم همه را ذکر نمایم خودش چندین مجلد کتاب
خواهد شد.



جَمْعِيَّتِ شَبَّهَائِ جُمُعَه از چهار هزار تجاوز میکند!

خادم مسجد آقای ابوالقاسم زهدفر میگوید:
شبهای چهارشنبه و جمعه من تا صبح بیدار بوده و در
بلندگو برای کمک به مسجد شریف جمگران اعلام
میکردم يك شب بسیار سرد و من ناراحت که چرا این
کار را قبول کردم نماز صبح را خواندم خواب رفتم در
عالم رؤیا چند تن از علماء قم بما حضرت آیت الله
العظمی مفتی شیعه زعیم عالیقدر آقای نجفی مرعشی
در همین محفل مبارک نشسته اند یکی از آقایان مرا به آیت الله
العظمی معرفی کرد آقا فرمودند: بسیار کار خوبی را
انتخاب کردی بجهت اینکه نام شما در عالم میماند.

ای مؤمنین جهان آیا شما فکر می کنید که مسجدی به این عظمت و شکوه و جلالت روز بروز به جلالت او افزایش می یابد بی مدرك ساخته شد از زمان ابی جعفر شیخ جلیل القدر محمد ابن بابویه قمی که معروف شیخ صدوق میباشد تا زمان حضرت مستطاب علامة الکبری آیت الله العظمی آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی کتب رجال قم را مورد مطالعه قرار دهید و به بینید همه آیات و حجج اسلام همه به این مسجد شریف معتقد بوده و توجه خاصی دارند . یکی از آنها را ما در اینجا نقل میکنیم .

بخوانید احوالات مرحوم حجة الاسلام والمسلمین عالم وزاهد سبحانی علامه فرید نابغه زمان آیت الله آقای حاج شیخ محمد بافق یزدی در کتاب التقوی در آن منقول است از سید شریف آقای سید مرتضی حسنی معروف بساعت ساز قمی که از اشخاص با حقیقت و متدینین پائین شهر شهرستان قم است و به نیکی و پارسائی

سیمای مسجد جمکران

مشهور است نقل میکنند شب پنجشنبه‌ای در فصل زمستان که هوا بسیار سرد و برف زیادی هم روی زمین نشسته قریب نیم متر، میگوید در منزل خود نشسته بودم ناگهان بخاطر آمدن که شب پنجشنبه موسم رفتن شیخ محمد تقی بافتی بمسجد شریف جمکران است با خودم گفتم که حتماً در این هوای سرد و برف، امشب راتعطیل کرده‌اند دلم طاقت نیاورد در این فکر بودم فکرم شد به خانه آقا بروم رفتم دیدم آقا تشریف ندارند در فتم مدرسه آقا در مدرسه تشریف نداشته‌اند در جستجوی آقا بودم بهر کس و بهر جا می‌میرسیدم سئوال مینمودم تا بمیدان میر رسیدم که سر راه جمکران است تا تحقیق کاملی از ایشان کنم شخص خباز (نانوا) میدان میر گفت ای آقا چرا مضطربی و در عقب که میگردی در فکر حاجی شیخ محمد تقی هستم که مبادا در این هوای سرد و برف فراوان که جانوران از سرما خشک شده‌اند بمسجد رفتن منع کنم هنوز به او بر نخورده‌ام و کسی همخبر از او نمیدهد. نانوا گفت

معتل نشو زیرا که ایشان با چند نفر از اصحاب و طلابش
 بسمت جمکران رفتند گفت بمجرد شنیدن این کلام
 اضطرابم بیشتر شده بعجله براه افتادم نانواگفت کجا
 شتاب میکنی گفتم شاید بدانها برسم و برگردانم با چند
 وسائل برای آنها بفرستم گفت پیخود مرو زیرا که به
 آنها قطعاً نخواهی رسید و ایشان الان اگر بختری بر
 خوردن کرده باشند نزدیک مسجد شریف هستند گفت من
 بسیار پریشان شدم چون که با آنشدت سرما و برفیکه
 متصل از آسمان میبارید هر اس زیادی داشتم مراجعت
 بخانه کرده و پیوسته پریشان بودم بطوریکه اهل خانه
 از پریشانی من مضطرب و اندوهناک بودند و مرا خواب
 نمیرد برای حفاظت ایشان امیدوار بخدا بودم تا قریب
 سحر خوابم برد در عالم رؤیا دیدم اعلحضرت قوی
 شوکت صاحب الزمان ارواح العالمین له الفداء وارد
 منزل شده و بمن فرمود سیدچرا مضطربی گفتم ای مولای
~~بمن بنده جهت ناراحتیم اینست که حاجی شیخ محمد تقی~~

در این هوای سرد و برف امشب بمسجد جمکران رفته از جانوران درنده میترسم که اذیتش نکرده باشند آقا فرمود سید مرتضی گمان میکنی که من از حاج شیخ دورم الان رفتم مسجد وسایل استراحت او واصحابش را فراهم کرده و آمدم گفت از خوشحالی و مسرت زود برخوایم و با اهل منزل که از من پریشانتر بودند مژده این بشارت را طلبیدم و صبح زود برخاسته در اثر صدق این خواب در تفحص بر آمدم تا رسیدم به یکی از صحابه حاجی شیخ گفتم قضیه دیشب را بازگوئی کن گفت دیشب حاج شیخ ما را برداشته بجمکران و مسجد رفتیم در آن هوای سرد و برف و قتیکه از شهر خارج شدیم يك حرارت عجیبی که از روز آفتابی گرمتر بود بما و اندك زمانی بمسجد شریف رسیدیم و متحیر شدیم که شب را چگونه بروز آوریم که ناگاه دیدیم جوان سیدی که بنظر ۱۲ ساله میرسید وارد شده حاج شیخ جواب داد فرمود میخواهید کرسی و لحاف و آتش برایتان حاضر

کنم حاجی شیخ گفتند اختیار باشماست آنسید از مسجد بیرون رفت ولی چند دقیقه‌ای طول نکشید که برگشت البته با کرسی و لحاف و منقلی پر از ذغال و آتش بود آورد و در یکی از حجرات گذاشته و آماده نمود و خواست برود از حاجی شیخ سنوال کرد باز هم چیزی احتیاج هست گفتند خیر .

یک نفر از ما که در مجلس بودیم عرض کرد آقا ما صبح زود از اینجا خواهیم رفت این اثاثیه‌ها را بکجه بسپاریم فرمود هر کس آورده خودش خواهد برد و از نظر ما پنهان شد مادر تعجب بودیم این آقا سید کی بود و این اثاث را از کجا آورده با اینکه از اینجا تا قریه جمکران رفتن و برگشتن بقدر يك كيلومتر راه میباشد و لا اقل رفت و برگشت و تهیه لوازم نمودن نیم ساعت وقت لازم است با اینکه الان چند دقیقه‌ای نگذشته هوا هم سرد و برف هم میبارید در این فکر بودیم تا صبح آمدیم و اثاث را همانجا گذاردیم و هنوز در گمان و فکرم

سید مرتضی گفت به او گفتم من میدانم آن سید جوان کی بود داستان اضطراب و خواب خود و فرمایش امام را برای او نقل کردم .

از جمله کسانی که با تشریف بآن مسجد و توسل به امام زمان (ع) نتیجه گرفته مرحوم حاج شیخ مرتضی اخوی مرحوم محدث قمی است دختری داشته که پاهایش ناقص بوده (قدمها بطور مادر زاد رویهم) و بآنحال مشتری نداشته و با بودن او هم نمی‌خواهند دختران بعد از او را شوهر دهند .

آنمرد صالح متوسل به امام عصر (ع) میشود يك روز دختر از خواب بیدار می‌شود میبیند يك پایش سالم است ، پدر با ایمان میگوید بمسجد میروم خواهش میکنم انشاءالله همنه دیگر پای دیگرت هم خوب می‌شود ولی عارضه سگته پدر را مهلت نمیدهد و باجل ناگهانی ازدنیا رفت مادر بزرگ بشاهزاده سلطان محمد شریف متوسل می‌شود پای دیگر دختر هم بنحو طبیعی راست

شده و اکنون با پای صحیح همسر یکی از خادمین
دین است .

بنده اگر اسامی علماء و دانشمندی که به
این مسجد شریف می آمدند و می آیند ذکر بنمایم خود
یک کتاب بزرگ خواهد شد غرض بنده این نبود بلکه
فقط تاریخ مسجد بوده اگر خواستم درباره مسجد شرح
و بحث کنم چند کتابی پرفیض شود خلاصه این حقیر بنده
ضعیف مهدی حائری سمنانی هر چند درباره این مسجد
شریف گویم حقیقتاً خیلی کم گفتم و حق این مسجد^{را} که
فضیلتش با مسجد شریف سهله و کوفه فرق ندارد ادا
نکردم .



اشعار در فضیلت مسجد شریف

بیا بیا که دلخسته را دوا این جاست
دری زخانه الطاف کبیریا اینجاست
ز درد ظاهر و باطن اگر شفا طلبی
بیا بیا بخدا خانه شفا اینجاست
بیا بیا که ز گرداب هم و غم و الم
ره نجات و طریق فلاح ما اینجاست
بیا بیا که دعا زود مستجاب شود
همان مکان که اجابت شود دعا اینجاست
بود امام زمان را بدین مقام نظر
به امر او چون گذشته این بنا اینجاست
در این مکان نشان جوز مهدی موعود
که آن ولی خدا رهبر هدای اینجاست

اگر زجرم و گناه و خطا پریشانی
 مقام بخشش و آمرزش خطا اینجاست
 پی قبولی طاعت اگر مکان شرط است
 یگانه شرط قبولی ازه مکان و جا اینجاست
 برای ما و توای شیعه بر ولی خدا
 گزید مسکنی از بهر التجا اینجاست
 تو میهمان و تو بود میزبان امام زمان ع
 چه مهمانی بیا لذت و صفا اینجاست
 نموده آنکه شمارا در اینمکان دعوت
 یقین برای پذیرائی شما اینجاست
 مباد! دست نهی بساز گردی از اینجا
 که خانه کرم و مرکز عطا اینجاست
 در این زمانه اگر بینوا و مقروضی
 کسیکه که قرض شما میکند ادا اینجاست

خدا را قسم میدهم به بقیة الله الاعظم که بقیة الله
 را از ما راضی گردانند و این خدمت نساچیز را از
 کوچکترین خادم خود (شیخ مهدی حائری سمنانی)
 قبول فرماید و ما را موفق گرداند تا حق او را اداء کنیم
 آمین یا رب العالمین بحق محمد و اله الطاهرین .

الهی وَفَّقْنَا لِادَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَادَاءِ حَقِّ النَّاسِ
 إِلَى النَّاسِ

الاحقر مهدی حائری سمنانی معروف بخورشیدی

